

ناکامی مدارس هوشمند در مالزی

تانگ سیومینگ و پوانزواری موروگایا
ترجمه: محمدعطاران



تحقیقات درباره موفقیت مدارس هوشمند مالزی، عموماً بیانگر عدم توفیق این طرح در نیل به اهداف خود است. مطالعات سیتی سوریا سلیم و شریفه محد، عزیزه یاکوب اتلا، هاجر محد ولی^۱ نشان می‌دهد که گرچه معلمان و دانش‌آموزان از چشم‌انداز کاربرد فاوا در مدرسه بسیار هیجان زده بودند، کاربرد فاوا در مدارس هوشمند محدود به استفاده از ورد برای انجام تکالیف، پاورپوینت برای ارائه درس و استفاده از اینترنت برای جست‌وجوی اطلاعات بوده و به کاربرد خلاقانه‌تر و تحلیلی‌تر فاوا منجر نشده است؛ کاربردی که نتیجه‌اش تفکر خلاق، یادگیری خود آیین^۲ و در نهایت، مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر است. معلمان این مدارس، همچنان از گج و تخته استفاده کردند و کمبود وقت و مسئولیت‌های سنگین خود را برای این کار بهانه کردند. آن‌ها می‌گفتند آموزش‌هایی که دریافت کرده‌اند کافی نبوده است و آن‌ها مهارت‌های لازم برای کاربرد مؤثر و مطمئن فاوا به دست نیآورده‌اند تا بتوانند این مهارت‌ها را آموزش دهند و به دانش‌آموزان خود منتقل کنند. از سوی دیگر، دانش‌آموزان نامیدی خود را از ناتوانی معلمانشان بیان کردند؛ ناتوانی در

خلق فرصت‌هایی که دانش‌آموزان را به کاربرد فاوا تشویق کند. رویکرد بالا به پایین و آمرا نه دولت مالزی در ورود فاوا به مدارس نیز عامل مؤثر در عدم موفقیت طرح مدارس هوشمند بود. این رویکرد، با شیوه‌هایی که دیگر جوامع شرقی و غربی به کار گرفته بودند، تقابل جدی داشت. در استرالیا، انگلیس، کانادا، ایرلند، ژاپن، زلاندنو، سنگاپور و آمریکا، مدارس خود طرح‌های ورود فاوا به آموزش و پرورش را اجرا کردند؛ در واقع، سیاست از پایین به بالا و نه سیاست دولتی و آمرا نه. مدارس اهداف را خودشان تعیین کردند و دولت بودجه و منابع را تعیین کرد.

طرح مدارس هوشمند در مالزی، با طرح‌های کشورهای دیگر بسیار متفاوت بود. این طرح، طرحی دولتی بود که سیاست‌های دولت و قانون آن را حمایت می‌کرد. دولت چشم‌انداز را تعیین و ارزش‌ها را مشخص کرد و بودجه، نیروی انسانی و متخصصان را برای اجرای طرح تعیین کرد (Bismillah khatoun, 2007). مطالعات پژوهشی اخیر درباره طرح مدارس هوشمند بیانگر مشکلات عدیده این طرح، به خصوص درباره عنصر یادگیری و آموزش است.

خود درباره مدارس هوشمند می‌گوید: به نظر می‌رسد طرح بالندگی حرفه‌ای مداوم مدارس هوشمند در افزایش آگاهی آن‌ها از اهمیت زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم موفق ولی در انتقال درک درستی از فعالیت‌های در سطح کلاس برای اجرای تغییر ناموفق بوده است. معلمان علت این امر را کمبود وقت و نبود فرصت یادگیری درباره برنامه جدید می‌دانند. آن‌ها این برنامه را در کلاس اجرا کرده و با سعی و خطا و براساس تجربه خود و دانش‌آموزان آن را یاد گرفته‌اند. همچنین عامل دیگر عدم موفقیت طرح مدارس هوشمند از نظر این معلمان، نبود فرصت برای آموزش و تداوم بالندگی حرفه‌ای معلمان بوده است؛ آموزشی که در خود مدرسه و حین خدمت انجام شود و در نهایت، فقدان تعهد مداوم و پشتیبانی اعضای گروه‌های آموزشی و مدیریت مدارس.

با وجود این، به نظر ما مانع بزرگ اجرای طرح، چگونگی تغییر ذهنیت معلمان است؛ به نحوی که بخواهند به‌صورت مؤثر و خلاق از فناوری استفاده کنند و تغییر مورد نظر را به‌وجود آورند. مشاهدات بی‌شمیره خاتون در تحقیقش بیانگر آن است که معلمان مدارس هوشمند عموماً به این بدفهمی دچارند که کاربرد درس افزار فقط به معنای تعیین یک موضوع برای دانش‌آموزان است، تا درباره آن به‌صورت برخط (آنلاین) یاد بگیرند یا تحقیق کنند. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که آن‌ها تنها وظیفه خود را در حد تکنسینی می‌دانند که ویدئو پروژکتور را روشن می‌کند و درس را روی پرده می‌اندازد و از دانش‌آموزان می‌خواهد بدون راهنمایی او درس را یاد بگیرند.

بدتر از آن، معلمانی هستند که حتی این زحمت را هم به خود نمی‌دهند. اگر قرار است کاربرد فاوا در کلاس درس موفق باشد و آثار آن را در کلاس ببینیم، معلمان باید درک درستی از آنداشته باشند و درباره آن آموزش صحیحی دریافت کنند. از این رو، به نظر می‌رسد که برای کسب اطمینان از موفقیت تلفیق فاوا در کلاس درس، زیرساخت کارکردی و مناسب ضروری است. اولویت مهم هم در این زیرساخت، معلمانند؛ معلمانی که باید با مجموعه‌ای از مهارت‌ها آشنا شوند و همزمان فعالانه‌تر، مشتاق‌تر، خلاق‌تر و کاملاً متعهدانه از فناوری‌های جدید استفاده کنند.

* پی‌نوشت‌ها

1. Thang siew ming and puvaneswary Murugaiah
2. Siti Suri Salim and Sharifah Mohd. Nor (2005); Azizah Yacob et al. (2005); Hajar Mohd. Nor (2005) and Lee (2007).
3. Autonomous learning
4. smart way



سیتی سوریا سلیم و شریقه محد در تحقیق خود درباره مدارس هوشمند در سلانگور، فقدان منابع (به‌خصوص رایانه، مواد آموزشی و اندازه کلاس)، کاستی در تربیت معلم، کار سنگین معلمان و ماهیت آزمون مدار نظام آموزشی مالزی را مهم‌ترین موانع موفقیت مدارس هوشمند می‌دانند. هاجر محد در تحقیق خود درباره طرح آزمایشی مدارس هوشمند در سه مدرسه، نشان داده است که فقط یک مدرسه موفق به تلفیق فاوا در آموزش کلاسی شده است. در مدرسه دیگر، این طرح به‌صورت ناقص اجرا شده و مدرسه سوم نیز از اجرای طرح منصرف شده است. این محقق مشکلات معلمان این مدارس را این‌گونه بیان کرده است: کمبود زمان، مشکل محتوای درس و ناکارآمدی فنی در تلفیق فاوا در کلاس‌های مدارس هوشمند. عزیزه یعقوب و همکارانش در مطالعه دیگری درباره آموزش زبان انگلیسی در مدارس هوشمند مالزی نشان داده‌اند که گرچه معلمان و دانش‌آموزان تمایل خود به یادگیری مسیر هوشمند را بیان می‌کنند، محدودیت زیرساخت‌های فناورانه مانع تلاش‌های آن بوده است (۲۰۰۷). لی در رساله دکتری